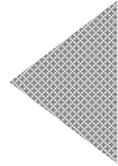


# جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن کریم



انسیه کاشانی<sup>۱</sup>

محمد نقی نظر پور<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۲/۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۰/۱۴)

## چکیده

دو پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی در قرآن مطرح شده که ماهیتی متفاوت دارند. این پژوهش به این سوال پاسخ می‌دهد که جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن چیست. فرضیه این پژوهش این است که رزاقیت الهی مهمترین مبنای پیشرفت توحیدی است. از آنجا که نقش انسان در اقتصاد غرب اهمیت فراوان دارد و نقش خداوند مغفول مانده است، لذا پرداختن به مباحث قرآنی در این زمینه اهمیت ویژه ای دارد. این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده و بیان می‌کند که سنت امداد موجب پیشرفت اقتصادی هر دو جامعه موحد و ملحد شده و سنت رزق موجب پیشرفت جامعه موحد می‌شود. یکی دیگر از نتایج مهم این مقاله مشکک دانستن سنت رزق است. مرتبه‌ی پایین و عام رزق شامل نعمات مادی می‌شود - متاع - که خداوند آن را به همه می‌دهد، ولی مراتب بالاتر و خاص آن که در آخرت هم شامل بندگان می‌شود، مختص اهل ایمان است. این مقاله موجب غنای مباحث مطرح شده در مبنای هستی‌شناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی سند الگویی پیشرفت می‌شود.

۱- دانشجوی دکترای کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیثقم، (نویسنده مسؤل) ensiehkashani2002@gmail.com

۲- (مرحوم) نظر پور، دانشیار دانشگاه مفید، دکترای اقتصاد.

**کلید واژه‌ها:** پیشرفت اقتصادی، مبانی مبدأشناختی، پیشرفت توحیدی، امداد، رزق.

## ۱- مقدمه

در قرآن دو نوع پیشرفت اقتصادی بیان شده است. «پیشرفت اقتصادی الحادی» همان استدراج است که عذاب الهی است و برای جامعه‌ی ملحد ایجاد می‌شود؛<sup>۱</sup> در جهان‌بینی الحادی علم به وجود خداوند و صفات او وجود دارد، اما آنها به آنچه علم دارند، ایمان نداشته، آن را تکذیب کرده و به آن عمل نمی‌کنند. «پیشرفت اقتصادی توحیدی» خیر و برکت بوده و برای جامعه‌ی موحد یعنی جامعه‌ی ای که جهان‌بینی آن توحیدی بوده و عمل آنها نیز موحدانه است ایجاد می‌شود هر چند ظاهر هر دو پیشرفت استفاده از نعمات مادی است، اما ماهیت آنها به کلی با یکدیگر متفاوت است، آیات متعددی<sup>۲</sup> از قرآن پیشرفت اقتصادی توحیدی را بیان می‌کند؛ به اجمال باید گفت که در این پیشرفت مستمر (نور: ۳۸)<sup>۳</sup> نقش اصلی ایجاد را خداوند ایفا می‌کند. (رعد: ۲۶)<sup>۴</sup> علیرغم ضرورت تلاش انسان برای بهبود وضعیت اقتصادی، اما نقش او، فراهم کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای این پیشرفت است. برای رسیدن به این پیشرفت، جامعه باید مقدماتی مانند ایمان، تقوا، (اعراف: ۹۶)<sup>۵</sup> استغفار، توبه (هود: ۵۲)<sup>۶</sup> و نوح: ۱۰ - ۱۲)<sup>۷</sup> و استقامت (جن: ۱۶)<sup>۱</sup>

۱- در مقاله دیگری به این موضوع با تفصیل بیشتر پرداخت شده است: نظریه‌ی محمدتقی کاشانی، انسیه. (۱۳۹۳). نقد تعریف توسعه اقتصادی رایج و تبیین مفهوم پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی از دیدگاه قرآن کریم. مجموعه مقالات، همایش سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (واکای مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان ...).

۲- به طور نمونه اعراف: ۹۶: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

۳- اللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

۴- اللَّهُ يُبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ.

۵- وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۶- يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ

۷- قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱) وَ يُعِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ

را به صورت جمعی (اعراف: ۹۶) فراهم کند. این پیشرفت پایدار، علاوه بر دنیا در آخرت نیز شامل بندگان می شود. (طه: ۱۳۱)<sup>۲</sup>

مقاله حاضر جایگاه سنت رزق را در پیشرفت اقتصادی توحیدی بیان می کند. در غرب توسعه اقتصادی را حاصل ذکاوت انسان می دانند و جایگاهی برای خداوند قایل نیستند، اما در جهان بینی قرآنی، خداوند عامل اصلی پیشرفت اقتصادی انسانها است، لذا پرداختن به این موضوع اهمیت خاصی پیدا می کند.

## ۲- ادبیات و پیشینه موضوع

تحقیقاتی که مستقیماً به موضوع این مقاله پرداخته باشند ملاحظه نشد، اما منابع زیر را که عمدتاً از روش توصیفی و تحلیل محتوی به بررسی موضوع پرداختند رامی توان به عنوان پیشینه این موضوع مطرح کرد:

۱- حکیمی (۱۳۸۰)، با بیان آیات و روایات، نظام اقتصاد اسلامی را توضیح داده و جایگاه مال و منابع آن و مسوولیت حکوت در برابر آن را بیان می کند؛ مقاله پیش رو با تعریف جدیدی که از پیشرفت اقتصادی توحیدی بیان می کند، مبانی خداشناختی این پیشرفت را بیان می کند، که کار نوی نسبت به این کتاب انجام داده است.

۲- طباطبایی (۱۳۷۴)، با بیان تفاسیر آیاتی که موضوع پیشرفت را بیان می کنند، تعریفی عام از آن بیان می کند که پایه این مباحث قلمداد می شود.

۳- محمدی ری شهری (۱۳۸۲)، دیدگاه آیات و روایات را درباره پیشرفت و توسعه اقتصادی بیان می کند.

۴- هادوی نیا (۱۳۸۷) مبانی خدا شناختی، جهان شناسی، انسان شناختی و جامعه شناسی اقتصاد را بیان می کند و ارتباط این مبانی با اقتصاد را توضیح می دهد. این کتاب «مبانی اقتصاد» را بیان می کند، اما در این مقاله «مبانی مبدأشناختی پیشرفت توحیدی» به صورت جزئی تر و با نگاهی متفاوت، بحث می شود.

لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

۱- أَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

۲- رَزَقْنَاهُ رِزْقًا خَيْرًا وَأَبْقَى

۵- هادوی‌نیا (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «جایگاه اقتصادی سنت رزق»، سنت رزق را به طور مبسوط شرح داده و بیان می‌کند که رزق الهی شامل همه‌ی موجودات و انسان‌ها می‌شود.

### ۳- «مبانی مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی»

دو پیشرفت اقتصادی تبیین شده در قرآن، مبتنی بر «اصولی کلامی و اعتقادی» هستند که این اصول کلامی به عنوان «مبانی کلامی پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی» خوانده می‌شوند که شامل مبانی مبدأشناختی، انسان‌شناختی، فرجام‌شناختی، راهنما‌شناختی، معرفت‌شناختی و ... می‌باشد، در این نوشتار فقط به مبانی مبدأشناختی پیشرفت توحیدی پرداخته می‌شود.

«توحید افعالی» مهمترین مبانی خداشناختی قرآن کریم است که بیشترین تأثیر را در بحث پیشرفت اقتصادی دارد؛ توحید افعالی به معنای درک و شناخت جهان با همه‌ی نظام و سنش به عنوان فعل خداوند است، البته با این اعتقاد که غیر خدا، هم در مقام ذات و وجود و هم در مقام تأثیر و علیت دارای استقلال نمی‌باشد. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ۸۳). اکثر آیات بیان‌کننده پیشرفت مادی قرآن، ایجاد این پیشرفت را به عنوان فعل خداوند بیان می‌کنند، مثلاً می‌فرماید:

(وَيُؤْمِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا) (نوح: ۱۲)

یعنی «او» به شما - با مال و فرزند - یاری می‌رساند و آیه‌ی «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور: ۳۸)، که روزی دادن را به خداوند نسبت می‌دهد. این افعال الهی، برای همه‌ی جوامع، در همه‌ی زمان‌ها عمومیت داشته و از آنها به سنن الهی نام می‌برند. سنن الهی، جریان ظهور صفات او بر طبق ضوابطی مخصوص بوده (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ۲۳۷ و ۲۳۸) که تکوینی و حقیقی (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۶) و غیر قابل تخلف<sup>۱</sup> هستند؛ مانند سنت امداد، رزق، استدراج، هدایت و ... (نصری، ۱۳۷۹، ۳۹۰) انسان با اختیار خویش زمینه‌ی اجرای این سنت‌ها را فراهم می‌سازد. (نصری، ۱۳۷۹، ۳۹۱)

«مبانی مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی»، یعنی آن دسته از افعال و سنن الهی که موجب بروز پیشرفت اقتصادی می‌شود، این سنن الهی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود، دسته اول برای هر دو پیشرفت توحیدی و الحادی مشترک است، دسته دوم، سنی است که منجر به پیشرفت

۱- احزاب/۶۲؛ سُنَّةُ اللَّهِ فِي الدِّينِ خُلُوفٌ مِنْ قَبْلِ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

توحیدی می شود و به عنوان "مبانی مبدأ شناختی پیشرفت اقتصادی توحیدی" بیان می شوند - در این مقاله این دو دسته بیان می شوند - و دسته سوم، سننی است که پیشرفت اقتصادی الحادی را نتیجه می دهد<sup>۱</sup>.

مبناهایی که در مقاله پیش رو بیان شده بر اساس استقرا از قرآن استخراج شده و حصر منطقی ندارد و موارد مهمتر بیان شده است.

### ۳-۱- سنت امداد، مبنای مبدأشناختی مشترک برای پیشرفت توحیدی و الحادی

قرآن بیان می کند که هر دو نوع پیشرفت اقتصادی که برای جامعه‌ی توحیدی و الحادی ایجاد می شود، به علت امداد الهی به هر دو گروه است، لذا در اینجا امداد الهی به عنوان سنت مشترک برای هر دو دسته بیان می شود.

عام‌ترین، کامل‌ترین و کلی‌ترین سنتی که خداوند در پی اعمال انسان‌ها اعمال می کند، سنت «امداد» است؛ بدین معنا که پروردگار، هم کسانی را که طالب دنیا و حرکت در راه باطل باشند و هم کسانی را که جویای آخرت و حرکت در طریق حق باشند کمک می کند، یعنی وسایل نیل به هدف را برای هر دو دسته فراهم می سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۴۷۹)

«مد» در اصل به معنای کشیدن است، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۴، ۲۱۰). امداد و مد هر چیزی به این است که از نوع خودش به آن اضافه گردد تا به این وسیله وجود و بقایش امتداد یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۹۱؛ هادوی نیا، ۱۳۸۷، ۱۷۴)

سنت امداد از سنت‌های مشروط است، زیرا مسبوق به رفتار آدمیان است، یعنی آنان ابتدائاً اراده دنیا یا آخرت می کنند و در راه آن می کوشند و آن‌گاه امدادهای الهی به آنان می رسد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۴۷۹):

(مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا. وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. كَلَّا نُمَدِّدُ هُوَلاءِ وَ هُوَلاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا)؛ (اسراء/۱۸-۲۰)<sup>۲</sup>

۱- برداختن به این قسمت نیاز به مقاله مستقل دیگری دارد.

۲- هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، به زودی هر که را خواهیم [نصیبی] از آن می دهیم، آن‌گاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می داریم. و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد،

این آیات بیان می‌کنند که این سنت شامل کافران و مؤمنان می‌شود؛ یعنی سنتی فراگیر است. تقدم «کلا» که مفعول «نمد» است بر این فعل، عمومیت امداد نسبت به هر دو گروه را نشان دهد. (طباطبایی، ۱۳، ۱۳۷۴، ۹۲). البته امدادهای الهی به مؤمنان، به مراتب، بیش از کمک‌هایی است که به غیرمؤمنان می‌رسد و از اسباب عادی هم درمی‌گذرد و مددهای غیبی و فوق طبیعی را نیز شامل می‌شود.

مطابق آیه‌ی بیست اسراء، امداد خدای سبحان به این معناست که تمامی وسایل عمل را به انسان می‌دهد، از قبیل علم، اراده، ابزار بدنی و مواد خارجی که عمل روی آنها واقع می‌شود، اسباب مربوط به عمل، امور تکوینی هستند که آدمی خودش در خلقت آنها دخالت ندارد و خداوند به فضل خود آنها را افاضه فرموده است. (طباطبایی، ۱۳، ۱۳۷۴، ۹۱ و هادوی نیا، ۱۳۸۷، ۱۷۴). طبق این آیات سنت امداد، سنتی عکس‌العملی و مقید به اعمال انسان‌ها و فراگیر است. آیات دیگری نیز فراگیری امداد الهی را بیان می‌کنند، البته برطبق این آیات، امدادهای الهی به جویندگان دنیا، محدود به حدودی است (به تعابیری از قبیل «مَنْ شَاءَ لِمَنْ تُرِيدَ» توجه کنید)، درحالی که امدادهایی که به طالبان آخرت می‌شود حدی ندارد (تعبیر «كَانَ سَعِيَهُمْ مَشْغُورًا» دلالت می‌کند بر اینکه خدای متعالی شاکر آنان است و این سپاس الهی امری است که هیچ پاداشی با آن قابل مقایسه نیست). (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۴۸۰)

سنت امداد جلوه‌ای از توحید افعالی است که در هر دو الگو از پیشرفت توحیدی و الحادی تأثیر دارد و خداوند هر دو گروه را برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی امداد می‌نماید. در الگوی پیشرفت توحیدی خداوند می‌فرماید: اگر استغفار کنید، شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند.

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ

---

آنانند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد. هر دو [دسته:] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم، و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.

۱ - شوری/ ۲۰: مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛  
هود/ ۱۵ و ۱۶: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا نُؤَفِّئِهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا؛<sup>۱</sup>

خداوند می‌فرماید در صورت استغفار و توبه‌ی جمعی، باران فراوان خود را بر مردم خواهد باراند و با مال و فرزند آنها را یاری خواهد کرد و باغ‌ها و نه‌رهای برای آنها پدید خواهد آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰، ۴۵) که همه‌ی اینها موجب بهبود وضعیت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی آنها می‌شود.

خداوند پیشرفتی که برای ملحدان ایجاد می‌کند، را نیز تحت سنت امداد یاد می‌کند:

(فَدَرَّهُمْ فِي عَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ. أَيْ يَحْسُبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ. نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ)<sup>۲</sup>

خداوند در این آیات می‌فرماید: آیا اینان گمان می‌کنند که اگر در مدت مهلت، مال و فرزندان به ایشان دادیم، از این جهت بوده که خواسته‌ایم خیرشان را زودتر به ایشان برسانیم؟ نه، درک نمی‌کنند، زیرا حقیقت امر این است که ما ایشان را املاء و استدراج کرده‌ایم، یعنی اگر مال و فرزند بیشتری به ایشان می‌دهیم، می‌خواهیم در طغیان بیشتری فرو روند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵، ۵۳)<sup>۳</sup>

لذا خداوند با توسعه در مال و فرزندان کفار به آنها یاری می‌رساند؛ اما این یاری، به خاطر سنت فراگیر خداوند، در امداد مؤمن و کافر است و خیری برای آنها نیست، بلکه برای عذاب کردن بیشتر آنها است، اما آنها نمی‌فهمند و تصور می‌کنند خداوند با سرعت به آنها خیر رسانده است. یکی از مبانی مهم امداد الهی، مالکیت فراگیر، حقیقی و تکوینی خداوند نسبت به همه‌ی کاینات است که نتیجه پذیرش خالقیت او می‌باشد، (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ۸۶ به نقل از هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ۱۲۳)

### ۲-۳- رازقیت، مبانی مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی توحیدی

- ۱- نوح/۱۰-۱۲. و گفتیم: از پروردگارتان آموزش بخواهید که او همواره آموزنده است. [تا] بر شما از آسمان باران بی در پی فرستند و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نه‌رها برای شما پدید آورد.
- ۲- مؤمنون/۵۴-۵۶. پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار. آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می‌دهیم. [از آن روی است که] می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم؟ [نه،] بلکه نمی‌فهمند.
- ۳- و این همان مضمونی است که خدای تعالی در سوره اعراف آورده و می‌فرماید: (سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ. وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ)

مهمترین مبنای مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی در جامعه‌ی اهل ایمان، رازقیت خداوند است، رازقیت یکی از افعال پروردگار است که قرآن کریم در موارد بسیاری از آن یاد کرده است.<sup>۱</sup> سنت رزق، یکی از سنن الهی درباره‌ی حیات انسان‌ها است. رزق به معنای بخشش مستمری است که با نیاز فرد جهت ادامه‌ی حیات مطابقت دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۴، ۱۱۵) ابن خلدون با استشهاد به کلامی از حضرت رسول<sup>۲</sup> بیان می‌کند که اگر منافع درآمد و ثروت انسان به خودش برگردد، روزی نامیده می‌شود و اگر از دارایی خود به هیچ وجه در نیازهایش فایده‌ای نبرد، درآمد نامیده می‌شود. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۸). رزق در قرآن کریم هم در امور مادی<sup>۳</sup> و هم در امور معنوی و آخرتی<sup>۴</sup> استعمال شده است. گاه به صورت اعم، (ذاریات/ ۵۸).<sup>۵</sup> هر چند غالباً در کالاهای مادی استفاده شده است. در آیات بسیاری خداوند روزی دادن به بندگان را به خودش نسبت می‌دهد (بقره/ ۵۷، ۳، ۶۰، ۲۵۴ و نور ۳۸، رعد ۲۶، ...)<sup>۶</sup> در چند مورد محدود هم روزی دادن را به انسان‌ها نسبت داده است؛ (نساء/ ۸ و ۵)<sup>۷</sup> توحید افعالی بیان می‌کند که اثر پروردگار در پیدایش رزق به صورت مستقل و اثر انسان به صورت وابسته است. به همین علت بررسی سنت رزق را با تکیه بر همین دو اثر، تحت عنوان‌های سنت تسخیر و کار و کوشش انسان دنبال می‌کنیم. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۹)

### ۳-۲-۱- سنت تسخیر

اثر پروردگار در پیدایش پدیده‌ها با قانون علیت سازگاری کامل دارد و خداوند اثر خود را از مجاری اسباب محقق می‌سازد؛ درباره‌ی تحقق سنت رزق نیز مجاری خاصی وجود دارد که در برخی از آیها به آنها اشاره شده است. یکی از این مجاری، مربوط به «سنت تسخیر» است؛ پیام اصلی واژگان «سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ»، «سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ» و «سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ»، این است که تمام این پدیده‌ها به گونه‌ای سامان داده شده‌اند که وسیله‌ای

۱- مائده/ ۱۱۴؛ حج/ ۵۸؛ مؤمنون/ ۷۲؛ روم/ ۳۷؛ عنکبوت/ ۶۲؛ اسراء/ ۳۰.

۲- ملک/ ۱۵: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ)

۳- حج/ ۵۸: (وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ) و بقره/ ۲۵.

۴- إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

۵- وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۸) نور؛ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ ۲۶/ رعد و ...

۶- وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا نِسَاءً ۵؛ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ نِسَاءً ۸



برای نفع بردن مردم در مقاصدشان قرار گیرند. یک جنبه از مفهوم توحید افعالی این است که خدای تعالی یگانه سببی است که هر سبب دیگری به وی منتهی می شود. (قابلیت نفع رساندن پدیده‌های جهان، به انسان) مهمترین عنصر سنت تسخیر بوده و به واسطه همین عنصر با سنت رزق نیز مرتبط می شود، عبارت

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ...)<sup>۱</sup>

نیز، از باب ترقی دادن کلام، و عطف عام بر خاص است که در واقع عمومیت سنت تسخیر را نشان می‌دهد. بنابراین پیام سنت تسخیر این است که اجزای عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد و همه را با انسان متصل می‌سازد و روز به روز دامنه بهره‌گیری‌های جامعه‌ی بشری از آفریدگان زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد و آنها را از جهت‌های گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود قرار می‌دهد، پس به همین جهت تمام این آفریدگان مسخر انسانند.<sup>۲</sup> اما این مهم فقط یک نیمه از آموزه توحید افعالی، در تحقق رفتارهای اقتصادی را نشان می‌دهد؛ نیمه دیگر مربوط به نقش انسان است. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۱)

### ۳-۲-۲- کار و کوشش انسان برای کسب رزق

در قرآن به کوشش انسان برای کسب رزق نیز پرداخته شده، آیاتی که هماهنگی کوشش و پاداش را بیان می‌کنند، به طور ضمنی پیام تشویق به کار را با خود القا می‌کنند. همچنین قرآن تشویق به کار را نه در سطح تهیه ضروریات بلکه برای تهیه رفاهیات توصیه می‌کند:

(فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ...)<sup>۳</sup>

فضل به معنای بیش از حد کفاف است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۶۳۹) آیه بر ارشاد مبتنی است به اینکه پس از پایان نماز جمعه جایز است به دنبال امور دیگر و تأمین مصالح و نیازهای خصوصی و عمومی رفت. این آیه انسان‌ها را به کسب روزی و محدود نشدن کوشش انسان به

۱ - لقمان / ۲۰: آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟...»

۲ - نحل / ۱۲؛ حج / ۶۵؛ لقمان / ۲۰؛ زخرف / ۱۲ و ۱۳.

۳ - جمعه / ۱۰؛ و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.

ضروریات اولیه تشویق می‌کند و کار و کوشش به صورت یک وظیفه (اگرچه ارشادی)، پس از نماز مطرح می‌شود؛ به طور کلی تشویق به کار از بدیهیات فرهنگ اسلامی است. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۳) از آنجا که تأثیر تلاش انسان برای به‌دست‌آوردن درآمد و پیشرفت اقتصادی، امری پذیرفته شده است و غرب نیز فقط همین جنبه از پیشرفت را می‌شناسد، سعی ما بر این است که بیشتر نقش مستقیم خداوند را در کسب روزی و پیشرفت اقتصادی بیان کنیم، لذا به همین مقدار از توجه اسلام به تلاش انسان برای کسب روزی بسنده می‌کنیم.

### ۳-۲-۳- ویژگی‌های رزق الهی

در قرآن ویژگی‌هایی برای رزاقیت پروردگار بیان می‌شود که تعدادی از آنها را اینجا بیان می‌کنیم:

### ۳-۲-۳-۱- پایداری رزق

رزق پروردگار پایدار است؛ خداوند به پیامبر می‌فرماید که متاع فراوانی که به عده‌ای از کافران دادیم زینت زندگی دنیاست و در مقابل آن رزق پروردگار بهتر و پایدارتر است، وقتی متاع کافران فقط برای دنیاست و رزق خدا پایدارتر از آن است نتیجه می‌دهد که رزق خدا علاوه بر دنیا شامل آخرت هم می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۳۳۴)

(وَلَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى)<sup>۱</sup>

در آیه‌ای دیگر بیان می‌کند که وقتی از میوه‌های بهشتی به مؤمنان روزی داده می‌شود آنها می‌گویند: «مانند اینها قبلاً نیز به ما روزی داده شده بود.» و این نشان می‌دهد که رزق مادی پروردگار هم، پایدار است و برای مؤمنان شامل دنیا و آخرت می‌شود.

(وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا ...)<sup>۲</sup>

۱ - طه/۱۳۱: و زهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.

۲ - بقره/۲۵: و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است. هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود، می‌گویند: «این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده.» و مانند آن [نعمتها] برای آنها آورده شود.

### ۲-۳-۲-۳- افزایش و کاهش روزی با اراده‌ی الهی

خدا روزی هر کس را بخواهد افزایش می‌دهد و روزی هر که را بخواهد می‌کاهد و این مطلب در ۹ آیه با عبارتی نظیر «الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر» آمده است. خداوند می‌فرماید:

(و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولکن ینزل بقدر ما یشاء) (شوری/۲۷)

این آیه بیان می‌کند که اگر خدا روزی انسانها را گسترش دهد طغیان می‌کنند و از این آیه یکی از دلایلی که خدا روزی عده ای را گسترش داده و روزی عده‌ای دیگر را گسترش نمی‌دهد بیان می‌شود.

### ۳-۳-۲-۳- غیر قابل پیش بینی بودن روزی

مطلب دیگری که قرآن به آن اشاره می‌کند این است که هر کس تقوا داشته باشد خدا از جایی که گمان نمی‌برد و پیش بینی نمی‌کند به او روزی می‌دهد و می‌فرماید:

(و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب) (طلاق/۳ و ۲)

در روایات نیز این مطلب بیان شده، امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ یَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَيْثُ لَا یَحْتَسِبُونَ؛ خداوند می‌پرهیزد از این که مؤمنان را جز از جایی که گمان ندارند، روزی دهد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵، ۸۳)

زیرا ایمان کامل اقتضا می‌کند که انسان به اسباب، اعتماد کامل نداشته باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵، ۸۳)، این جمله توضیح مصحح کتاب کافی در ذیل این حدیث است) امام در حدیث دیگری علت این امر را چنین بیان می‌کنند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَيْثُ لَا یَحْتَسِبُونَ وَ ذَلِكَ أَنْ الْعَبْدَ إِذَا لَمْ یَعْرِفْ وَجْهَ رِزْقِهِ كَثُرَ دُعَاؤُهُ؛ همانا خداوند روزی‌های مؤمنان را از جایی که گمان نمی‌برند قرار داده و این بدان جهت است که بنده هرگاه نداند روزی‌اش از کجا رسد، دعایش افزون گردد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵، ۸۴)

بنابراین طبق این آیات و روایات ایمان و تقوا موجب کسب روزی پیش بینی نشده می‌شود و این یعنی آن نعمت خیلی فراتر از تلاش انسان بوده؛ زیرا نتیجه‌ای که متناسب با عمل انسان باشد برای او قابل پیش بینی است.

### ۳-۲-۳-۴- بی حساب بودن روزی

در پنج آیهی قرآن بیان شده که خداوند به هر که بخواهد روزی بی حساب می دهد، مثلاً می - فرماید:

(لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ)<sup>۱</sup>

این آیه می فرماید خدا پاداش عمل عدهای را بیش تر از عمل آنها، با فضل خود می دهد. مجمع البیان در معنای روزی بی حساب چند قول را بیان می کند:

۱- خداوند آن قدر زیاد می بخشد که در اثر زیادی به حساب نمی آید.

۲- خداوند در دنیا مردم را در برابر اعمالشان روزی نمی دهد بنابراین وسعت رزق دلیل بر منزلت شخص نزد خدا نیست و اگر بگوئیم که مراد از این «رزق» نعمت آخرت باشد در این وجه باید گفت: خداوند مؤمنان را به اندازهی اعمالشان پاداش نمی دهد؛ بلکه به مراتب بیش از استحقاق اعمال آنها است.

۳- خداوند چیزی را که بخشید کسی از او سؤال نمی کند و حساب نمی خواهد و خود نیز انتظار جبران ندارد.

۴- اگر خداوند به مقدار محدود هم عنایت کند ولی از سرچشمه بی حساب لطف غیر منتهای اوست و از منبعی محدود نیست که با بخشش کم شود.

۵- خداوند به اهل بهشت آن قدر روزی می دهد که به حساب نمی آید و نامتناهی است.

مجمع البیان همه ی این وجوه را صحیح می داند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲، ۲۷۸ و ۲۷۹)

بی حساب بودن روزی خداوند به افراد با ایمان، بیان گر این است که هرگز مواهب الهی به اندازه اعمال ما نیست؛ بلکه مطابق کرم اوست و لطف و کرمش حدی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲، ۹۲) پس روزی بی حساب الهی یعنی رزقی که مطابق با لطف اوست نه متناسب با اعمال بندگان.

### ۳-۲-۳-۵- استمرار روزی

خداوند برای بیان روزی دادن به بندگان از فعل مضارع «یرزق» استفاده می کند، مخصوصاً در مواردی که می خواهد فراوانی رزق، برای عدهای از بندگانش را بیان کند می فرماید:

۱ - نور/۳۸: تا خدا بهتر از آنچه انجام می دهند، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا [ست که] هر که را بخواهد بی حساب روزی می دهد.

(لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (نور/۳۸).  
 فعل مضارع استمرار یک کار را نشان می‌دهد و می‌رساند که فعل روزی دادن به بندگان استمرار دارد، همچنین مطرح کردیم که روزی پروردگار پایدار است، لذا روزی دادن یک فرآیند است که در آن حرکت وجود دارد و یک فعل ایستا نیست.

### ۳-۲-۶- مشکک بودن روزی

صفات فعلی الهی مثل رحمت و رزق تشکیکی هستند و سلسله مراتبی دارند و از مراحل پایین تا بالا تغییر می‌کند. در آیاتی از قرآن بیان شده که خداوند به همه‌ی مخلوقات روزی می‌دهد:  
 (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ)<sup>۱</sup> و ...<sup>۲</sup>

کلمه دابه به معنای هر موجودی است که حرکتی هر چند اندک داشته باشد، و بیشتر در نوع خاصی از جنیندگان استعمال می‌شود، اما قرینه مقام آیه که بیان وسعت علم خدای تعالی است، اقتضا دارد که عموم منظور باشد. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۰) همچنین پیامبر درباره‌ی روزی بندگان می‌فرماید:

«هیچ کس نیست، جز آنکه دری در آسمان دارد که روزی او از آن نازل می‌شود و عملش از آن بالا می‌رود، پس هرگاه که خداوند اراده فرماید که او را روزی دهد، آن در را می‌گشاید و روزی‌اش را فرو می‌فرستد و چون آن در بسته شود، هیچ کس نتواند آن را بگشاید، مگر آن‌گاه که خداوند خواهد آن را بگشاید.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲، ۲، ۵۲۵)

در این روایت تعابیر کنایی به کار رفته است و معقول را در چارچوب امور محسوس بیان کرده است. روزی انسان، به مشیت الهی است و وسیله‌های ظاهری در آن مؤثر است. از آنجا که استعدادهاى نهفته هر کس متفاوت است، بعید نیست که مراد از «در روزی» در این روایت، گوناگونی راه‌های ظاهری روزی یافتن افراد باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲، ۲، ۵۲۵)  
 اما باید گفت در اکثر آیاتی که به صراحت از کافران و تمتع آنها سخن گفته، بهره‌مندی آنها از

۱- هود/ ۶: «هیچ جنینده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی وی بر خداست! وی قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند،

همه آنها در کتاب آشکاری ثبت شده است!»

۲- عنکبوت/ ۶۰: (وَكَأَيُّنُ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

مادیات را با تعبیر «متاع» بیان کرده و واژه‌ی رزق استعمال نشده، همچنین در آیاتی، متاع در مقابل رزق بیان شده است؛

وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى.<sup>۱</sup>

این آیه بیان می‌کند متاع فراوانی که به عده‌ای از کفار داده شده است موجب شگفتی شما نشود، بلکه رزق پرورگار بهتر و پایدارتر است و رزق در مقابل متاع آمده است. در آیه‌ای دیگر حضرت ابراهیم از خداوند می‌خواهد که به اهل شهر مکه از ثمرات رزق دهد، خداوند می‌فرماید به کافران متاع کمی می‌دهم و لغت رزق را برای کفار به کار نمی‌برد:

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ)<sup>۲</sup>

در آیات دیگری<sup>۳</sup> نیز بهره‌مندی کفار را با واژه متاع بیان کرده است. به طور نمونه می‌فرماید ما کافران را کمی برخوردار می‌کنیم سپس آنها را عذاب می‌کنیم، اینجا نیز لغت رزق نیامده است:

(وَ مَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ... نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ)<sup>۴</sup>

قرآن به طور کلی می‌گوید که حیات دنیوی، در برابر آخرت «متاع» است:

(اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ)<sup>۵</sup>

رعد / ۲۶)

۱ - طه / ۱۳۱: و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زبور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.

۲ - بقره / ۱۲۶: و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان، و مردمش را - هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد - از فرآورده‌ها روزی بخش»، فرمود: «و [لی] هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم، و چه بد سرانجامی است.»

۳ - محمد / ۱۲: (وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ) و کسانی که کافر شده‌اند، [در ظاهر] بهره می‌برند و همان گونه که چارپایان می‌خورند، می‌خورند، و [لی] جایگاه آنها آتش است و ...

۴ - لقمان / ۲۳ و ۲۴: و هر کس کفر ورزد، نباید کفر او تو را غمگین گرداند. [ما] آنان را اندکی برخوردار می‌سازیم، سپس ایشان را در عذابی پر فشار درمانده می‌کنیم.

و نیز می‌فرماید متاع دنیا کم است:

(مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى) (نساء/۷۷).

و حتی بهره‌مندی‌های زیاد کفار را کم می‌داند:

(لَا يَغْرِبُكَ ثَقَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ. مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ) (آل

عمران/۱۹۶ و ۱۹۷)

پس قرآن آن بهره‌هایی که صرفاً مادی باشد و شامل معنویات نشود، منحصر به دنیا باشد و در آخرت امتداد نداشته باشد را با عبارت «متاع» به کار می‌برد؛ از این رو برای کافران هم در اکثر آیات واژه‌ی متاع را به کار برده است و این متاع را کم و اندک تلقی می‌کند؛ در حالی که رزق را «بی حساب» و فراوان توصیف می‌کند. خداوند به طور عموم فرموده به همه‌ی مخلوقات روزی می‌دهد، همچنین در اکثر آیات عبارت «رزق» را برای کافران به کار نبرده، با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان گفت که مفهوم «رزق» مانند «رحمت» الهی یک مفهوم تشکیکی است و سلسله مراتبی دارد و هر کس با توجه به استعداد و کمالاتی که کسب کرده از مرتبه‌ای از آن بهره‌مند می‌شود، مرتبه‌ی پایین و عام آن شامل نعمات مادی می‌شود - متاع - که خداوند آن را به همه می‌دهد، ولی مراتب بالاتر و خاص آن که شامل هم نعمات مادی و هم نعمات معنوی می‌شود و پایدار است و در آخرت و بهشت هم شامل بندگان می‌شود، دیگر شامل کافران نمی‌شود و مختص اهل ایمان است؛ لذا با توجه به برخی از ویژگی‌های رزق الهی که نام برده شد، آن پیشرفت اقتصادی که شامل اهل ایمان می‌شود، تحت صفت رازقیت الهی قرار می‌گیرد؛ اما آن بهره‌مندی فراوان کافران که موجب خیره شدن چشم انسان می‌شود، طبق سخن قرآن، متاع این دنیا است، عذاب برای آنها بوده و از صفات جلالیه خداوند نشأت می‌گیرد.

#### ۴- ارتباط این مقاله با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و پیشنهادات

۱- در قرآن دو پیشرفت با ظاهری مشابه اما ماهیت متفاوت و مبانی متفاوت برای دو جامعه موحد و ملحد تبیین شده، اما در پیش نویس سند مبانی عام پایه‌ای الگوی پیشرفت، فقط یک پیشرفت در نظر گرفته شده است و بین جامعه موحد و ملحد فرقی گذاشته نشده، است. در حالی که لازم است مبانی هر دو پیشرفت تبیین شود تا به پیشرفت الحادی دچار نشویم.

۲- این پیش نویس به مبانی هستی‌شناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی پرداخته است. اما مواردی که در این سند بیان شده کلی است و وارد جزئیات نشده است. اما در این مقاله جایگاه سنت امداد، رزق و تسخیر بیان شده که در این الگو می‌تواند استفاده شود.

۳- در این مقاله ۶ ویژگی برای سنت رزق الهی بر اساس آیات قرآن بیان شده، که یکی از آنها مشکک بودن این سنت است که بیان می‌کند مراتب پایین سنت رزق، عام است و شامل کفار هم می‌شود اما مراتب خاص آن که پایدار است مخصوص مؤمنان است. که نشان می‌دهد ایمان و کفر در پیشرفت اقتصادی تأثیر به‌سزایی دارند.

۴- پیشنهاد می‌شود در مقاله‌ای مستقل به سنت امداد پرداخته شود و جایگاه این سنت در پیشرفت اقتصادی تبیین شود.

## ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- «مبانی مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی»، یعنی آن دسته از افعال و سنن الهی که موجب بروز پیشرفت اقتصادی می‌شود، این سنن به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، برای هر دو پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی مشترک است، که سنت امداد در این گروه قرار می‌گیرد؛ دسته دوم، سننی است که منجر به پیشرفت توحیدی می‌شود که شامل سنت رزق می‌شود و به عنوان «مبانی مبدأشناختی پیشرفت اقتصادی توحیدی» بیان شده‌است و دسته‌ی سوم، سننی است که پیشرفت اقتصادی الحادی را نتیجه می‌دهد.

۲- سنت رزق، یکی از سنن الهی درباره‌ی حیات انسان‌ها است. رزق بخشش مستمری است که با نیاز فرد جهت ادامه‌ی حیات مطابقت دارد. رزق در قرآن کریم هم در امور مادی و هم در امور معنوی و آخرتی استعمال شده است.

۳- توحید افعالی بیان می‌کند که اثر پروردگار در پیدایش رزق به صورت مستقل و اثر انسان به صورت وابسته است لذا دو عامل مؤثر در رزق، «سنت تسخیر» و «کوشش انسان» است.

۴- «قابلیت نفع رساندن پدیده‌های جهان، به انسان» مهمترین عنصر سنت تسخیر بوده و به



- واسطه همین عنصر با سنت رزق نیز مرتبط می شود.
- ۵- ویژگی هایی که قرآن برای رازقیت خداوند بیان می کند عبارت است از: پایداری، افزایش و کاهش روزی با اراده الهی، غیر قابل پیش بینی بودن، بی حساب بودن، استمرار، مشکک بودن.
- ۶- خداوند به طور عموم فرموده به همه ی مخلوقات روزی می دهد، همچنین در اکثر آیات مربوط به کفار عبارت «رزق» را برای آنها به کار نبرده، لذا می توان گفت که مفهوم «رزق» مفهوم تشکیکی است و هر کس از مرتبه ای از آن بهره مند می شود.
- ۷- مرتبه ی پایین و عام رزق شامل نعمات مادی می شود - متاع - که خداوند آن را به همه می دهد، ولی مراتب بالاتر و خاص آن که پایدار است و در آخرت و بهشت هم شامل بندگان می شود، مختص اهل ایمان است. این تبیین از سنت رزق از نوآوری های این نوشتار است.
- ۸- آن پیشرفت اقتصادی که شامل اهل ایمان می شود، تحت صفت رازقیت الهی قرار می گیرد؛ اما آن بهره مندی فراوان و خیره کننده کافران، متاع این دنیا است، عذاب برای آنها بوده و از صفات جلالیه خداوند نشأت می گیرد.

## منابع

- راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة.
- (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**. ترجمه و تحقیق و تصحیح غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق رضا ستوده. ترجمه ی مترجمان. تهران: فراهانی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). **کافی**. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۲). **توسعه اقتصادی بر پایه ی قرآن و حدیث**، با همکاری سید رضا حسینی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱) **جامعه و تاریخ از نگاه قرآن**، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- نظرپور، محمدتقی. کاشانی، انسیه. (۱۳۹۳). نقد تعریف توسعه اقتصادی رایج و تبیین مفهوم پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی از دیدگاه قرآن کریم. **مجموعه مقالات، همایش سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت** (واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان ...). تهران: دبیرخانه سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۶). «**جایگاه اقتصادی سنت رزق**»، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۲۸. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- (۱۳۸۷). **فلسفه اقتصاد** (در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.